

اخلاق حدیث پژوهی

عبدالهادی مسعودی^۱

چکیده

موضوع و هدف این نوشته خُرد، گردآوری هنجارهای حدیث‌پژوهی و نگرستن از زاویه اخلاق به پژوهش‌های حدیثی است. در این نوشته کوشش شده با تفاوت نهادن میان اخلاق پژوهش و روش پژوهش، از میان مباحث کلی اخلاق پژوهش، آنچه را نیاز جدی یک پژوهش حدیثی است، استخراج شود و با فضای پژوهش‌های حدیثی سازگار و همخوان گردد. دستاورد این کاوش، گردآوری و دسته‌بندی هنجارهای حدیث‌پژوهی در سه بخش «موضوع‌یابی»، «داده‌یابی و داده‌پژوهی»، و «گزارش پژوهش» است. در بخش نخست، رعایت اولویت، تناسب با علاقه و توان و سودمندی، سه هنجار اخلاقی دانسته شده‌اند. در بخش دوم نیز جست‌وجوی فراگیر، امانتداری و پیروی از حقیقت به همراه راهکار نیل به آن، آمده است. در بخش سوم، چهار هنجار اخلاقی صداقت، رعایت حقوق همکاران، شجاعت همراه کیاست و تباه نکردن مخاطب آورده شده است.

واژگان کلیدی: هنجارهای حدیث‌پژوهی، تفاوت اخلاق و روش پژوهش، اخلاق موضوع‌یابی، اخلاق داده‌یابی و داده‌پردازی، اخلاق ارائه پژوهش.

۱. دانشیار دانشگاه قرآن و حدیث: h.masoudy@gmail.com

مقدمه

در شماره ششم مجله حیات معنوی^۱ که ویژه اخلاق تفسیر بود، مقاله‌هایی چند از سرورانی فرزانه درباره اخلاق تفسیر قرآن کریم خواندم با نگاهی نو و از زاویه اخلاق حرفه‌ای به تفسیرپژوهی، که در ایران کم سابقه می‌نماید. عنوان‌های جدید و مضمون‌های بدیع برخی از مقاله‌ها در مجله یادشده، الهام‌بخش این نکته شد که به حدیث‌پژوهی نیز از این زاویه می‌توان نگرست و عرصه وسیعی برای پژوهش‌هایی این‌چنین گشود. افزون بر این، وجود نگاه‌هایی کوتاه و بلند درباره اخلاق پژوهش، زمینه‌الگوگیری از آن‌ها را در مباحث اخلاق حدیث‌پژوهی میسر کرده است؛ مانند نگاه‌هایی که یک دهه پیش، استاد محسن جوادی از مؤلفان و مترجمان و پژوهشگران حوزه اخلاق گرد آورد و آن‌ها را در کتاب «اخلاق پژوهش، مبانی و مسائل» تدوین و ارائه کرد.^۲

بر این پایه و با این باور که حدیث، حکایت‌گر سنت است و رسالت مهم انتقال و تبیین معارف دینی را به عهده دارد؛ روشن است که پژوهش درباره آن، لازم است روشمند باشد و همچنین هنجارهای اخلاقی را رعایت کند. دریافت، گزارش و پردازش این میراث سترگ، همگی روش‌ها و شیوه‌هایی مخصوص به خود دارند که در جای خود به آن‌ها پرداخته شده است. این فعالیت‌ها، اخلاق و هنجارهایی ویژه خود نیز دارند که هرکدام می‌توانند بخشی از موضوع یک مقاله باشند. برای نمونه، تحمل و دریافت حدیث، می‌تواند از زاویه اخلاق نگرسته و برخی هنجارهای آن بازگو شود، هرچند در این جا به آن نمی‌پردازیم؛ زیرا فرض نوشته این است که حدیث‌پژوه، احادیث را به درستی شنیده یا خوانده و پس از دریافت آن‌ها، در پی کاربردشان در یک پژوهش حدیثی است.

این مقاله همچنین در پی ارائه اخلاق کلی پژوهش با استفاده از احادیث نیست؛ زیرا

۱. این مجله از سوی موسسه دین پژوهی بشرا و با مسئولیت آقای علی باقری فر در قم تدوین و منتشر می‌شود. شماره ششم این مجله در زمستان ۱۳۹۹ نشر یافت.

۲. کتاب یادشده را پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نشر داد که در میان مقاله‌های آن، از نگاه‌ها بلند استاد حسن اسلامی در ابتدای کتاب بیشتر بهره گرفتم. مقاله «مستندات نقلی اخلاق پژوهش» نیز قابل استفاده است.

پیش‌تر برخی محققان به گردآوری احادیث در این باره اقدام و آن را منتشر کرده‌اند.^۱ بر این پایه، مقاله پیش رو در پی آن است که هنجارها و اخلاق حدیث پژوهی را در یک پژوهش متن‌محور عرضه کند. در واقع، اخلاق حدیث پژوهی را می‌توان گونه‌ای از اخلاق پژوهش دانست که خود گونه‌ای اخلاق کاربردی و حرفه‌ای است.^۲ اخلاق پژوهش درباره پژوهیدن و حرفه پژوهشگران سخن می‌گوید و ناظر به رعایت برخی هنجارها در فرآیند پژوهش، و روش و منش پژوهشگر است.

حدیث پژوه، پژوهشگری است که در عرصه حدیث تحقیق می‌کند و از این رو همه آنچه را به عنوان اخلاق پژوهش لازم است، باید رعایت کند.

به سخن دیگر، این نوشته به هنجارهای ویژه حدیث پژوهی می‌پردازد که در صورت رعایت آن‌ها، یک پژوهش حدیثی، خوب و پسندیده می‌گردد. همچنین در صورت رعایت نکردن این هنجارها، پژوهش حدیثی دچار آسیب می‌شود و ناپسند جلوه می‌کند. وظیفه اصلی مقاله، گردآوری نکاتی ناظر به هنجار و اخلاق حدیث پژوهی است که در مبانی و قواعد عمومی اخلاق و نیز بایسته‌ها و شایسته‌های حاکم بر هر پژوهش طرح نشده یا کمتر بحث شده است. همچنین توضیح رابطه اخلاق پژوهش و روش پژوهش آورده شده است و ارتباط آن با آداب حدیث و تحدیث، بخشی دیگر از رسالت مقاله است. در این نوشته کوشش شده به این پرسش آغازین پاسخ داده شود که ارتباط اخلاق پژوهش با روش پژوهش چیست؟ سپس به برخی اخلاق و هنجارهای حدیث پژوهی که رعایت آن‌ها در فرآیند تحقیق لازم است، اشاره می‌کند و زمینه را برای درآوردن این ادبیات به عرصه حدیث پژوهی، فراهم می‌آورد. روشن است که در آغاز راه، برخی ابهام‌ها همراه ماست، ولی امید است که این مسئله، مانع وارد شدن حدیث پژوهان فرهیخته به این راه و هموار کردن مسیر آن نشود.

گفتنی است آنچه می‌آید، بیشتر یک صورت‌بندی جدید از نوشته‌های دیگران و

۱. اخلاق پژوهش، مبانی و مسائل، محسن جوادی، ص ۳۸۷، مقاله مستندات نقلی اخلاق پژوهش.

۲. اخلاق حرفه‌ای، شاخه‌ای نواز علم اخلاق و به معنای اصول و ارزش‌های اخلاقی حاکم بر یک حرفه و فرآیند کاری و عهده‌دار حل مسائل و پرسش‌های اخلاقی پدیدآمده در یک محیط و نظام حرفه‌ای است.

داشته‌های پیشین است که در جای خود به برخی از آن‌ها ارجاع می‌دهم. این صورت‌بندی از هنجارهای اخلاقی حدیث‌پژوهی، به چند گونه می‌تواند ارائه شود. برای نمونه، یک گونه، متناسب با مراحل اصلی پژوهش از گزینش موضوع تا نگارش و گزارش نتیجه آن است. گونه دیگر، ناظر به رابطه سه‌گانه حدیث‌پژوه با خود به عنوان پژوهشگر، با پژوهش و هدف تحقیقش، و نیز وظیفه اش در برابر مخاطب پژوهش و بهره‌گیران از آن است. در این جا بر پایه گونه نخست یعنی اخلاق متناسب با مراحل پژوهش، مطالب ارائه می‌شود.

پرسش آغازین: ارتباط اخلاق پژوهش با روش پژوهش

اگر روش پژوهش را به معنای سامان‌دهی مراحل پژوهش برای طی کردن درست و نتیجه‌بخش فرآیند آن بدانیم، نیاز است هر مرحله از پژوهش را بشناسیم و توالی و ترتب منطقی همه مراحل را بدانیم. این شناسایی، لازمه یک پژوهش روشمند است، اما التزام به اجرای آن از دل تعهد اخلاقی و وجدانی پژوهشگر بیرون می‌آید. روش پژوهش، فرآیند کاری را روشن می‌کند، ولی تنها در برخی مراحل، رعایت آن‌ها را می‌توان از بیرون و علی‌رغم میل باطنی محقق بر او تکلیف کرد. برای نمونه، می‌توان محقق را ملزم کرد که موضوع تکراری را برنگزیند یا هنگام نقل قول از دیگران، بخش نقل‌شده را به دقت مرزبندی کند، اما نمی‌توان تبع کامل و فراگیری را که تنها خود او مرزها و گستره‌اش را می‌شناسد، اندازه گرفت و تحقق آن را تصدیق و تکذیب کرد و جز التزام صادقانه محقق، راهی به تحقق آن نمی‌شناسیم.

بر این پایه، التزام به پیمودن درست و کامل فرآیند پژوهش و اجرای راستین روش، هنجاری اخلاقی است و صرف‌نظر از درستی و کمال روش، خود قابل تحقق است. به دیگر سخن، ممکن است روش پژوهش، نقصی نداشته و کامل و نتیجه‌بخش باشد، اما پژوهشگر با کاهلی و تن‌آسایی یا به دلیل برخی اغراض نادرست، از اجرای برخی مراحل یا پیمودن کامل برخی گام‌ها، تن‌بزند و نتیجه‌ای نادرست را حاصل آورد؛ نتیجه‌ای که به شکلی ناروا به کسی یا واقعیتی منسوب می‌شود و در عرصه حدیث‌پژوهی، زمینه بدعت‌آفرینی و انتساب چیزهایی نادرست را به دین و پیشوایان معصومش فراهم می‌آورد. در این صورت پژوهشگر، رفتاری ناروا داشته و سزای ناکوهش است.

از نگاهی دیگر، محتمل است روش پژوهش، ناقص و ناتمام باشد، ولی محقق آن را کامل و درست بیندارد و وظیفه اخلاقی خود را در تعهد به اجرای آن ببیند. در این حالت نیز نتیجه گرفته شده از پژوهش، قابل تأیید و اطمینان نیست، اما مانند صورت نخست، سزاوار نکوهش نیست، مگر آن که در تاسیس روش نادرست یا گزینش نابه‌جای آن برای پژوهش خویش مقصر باشد.

اینک برخی هنجارهای اخلاقی در روند حدیث پژوهی را ارائه می‌دهیم. گفتنی است برخی از آنچه می‌آید، در کلیات و میاحث اخلاق پژوهش طرح شده است و مختص حدیث پژوهی نیست، اما تأکید بر آن‌ها و مهم‌تر از آن، مستند کردن آن‌ها به متون دینی، انگیزه بررسی بیشتر آن‌هاست.

۱. اخلاق موضوع یابی

پژوهش، حرکتی روشمند برای تبیین حقیقتی ناآشکار و یافتن پاسخی درخور برای سوالی دغدغه‌آفرین است. موضوع پژوهش، عنوانی برای نامگذاری یک حرکت است که از اندیشه پژوهشگر آغاز و در بیشتر موارد به نگارش نتیجه تحقیق و گزارش دادن به بهره‌گیران و مخاطبان منتهی می‌شود. در یک فضای خیالی، مجوز پژوهش درباره هر موضوعی را می‌توان صادر کرد، اما نه فرصت ما و نه دیگر هزینه‌ها نامحدود و بی‌پایان نیستند. از این رو، سرمایه‌های محدود را باید در عرصه‌ای هزینه کرد که اتلاف و اسراف به‌شمار نیاید. همان‌گونه که در هرکاری می‌توان اسراف را تصور کرد^۱ و مثلاً یکی از مصادیق اسراف مالی، خوردن هرچیزی است که دل می‌خواهد^۲، آنگاه اسراف در پژوهش هم، پرداختن و عمر نهاندن بر سر هر چیزی است که به اندیشه‌خویش خطور کند.

از نگاهی دیگر، مقصود اصلی از حدیث شریف همچون قرآن کریم، هدایت و راهبری انسان به سوی سعادت دنیوی و اخروی اوست؛ پس مباحثی که ضروری نیستند و کمک مستقیم یا غیر مستقیم به راهیابی انسان نمی‌کند، ناآزم شمرده می‌شوند و پرداختن به

۱. رسول الله ﷺ: في الوُضوءِ إسرافٌ، وفي كُلِّ شَيْءٍ إسرافٌ؛ کنز العمال: حدیث ۲۶۲۴۸.

۲. النبي ﷺ: إِنَّ مِنَ السَّرْفِ أَنْ تَأْكُلَ كُلَّ مَا اشْتَهَيْتَ؛ کنز العمال: حدیث ۷۳۶۶.

آن‌ها گاه ممکن است لغو و بیهوده کاری باشد. طرح بحث‌های دور و دراز و گسترده دامن برای خودنمایی، بزرگ‌نمایی و اظهار فضل، نیز اتلاف عمر و هدر دادن سرمایه است و دور از اخلاق پژوهش و نگارش. بر این پایه، چند ویژگی را باید در گزینش موضوع در نظر داشت:

۱.۱. رعایت اولویت

در هر حوزه پژوهشی، موضوعات بی‌شماری به ذهن آدمی راه می‌یابد که در جای خود پرسش‌آفرین و گاه جذاب هستند، اما از مسائل اصلی آن حوزه به‌شمار نمی‌آیند. این‌ها را تا زمانی که مسائل اصلی حل نشده‌اند، باید کنار نهاد و به جای آن‌ها به موضوعاتی اندیشید که به کار دین و دنیای ما یا دیگران و بهتر از آن، همگان بیاید. در یک نمونه تاریخی، شخصی نزد پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و گفت:

يَا رَسُولَ اللَّهِ، عَلَّمَنِي مِنَ غَرَائِبِ الْعِلْمِ. قَالَ: مَا صَنَعْتَ فِي رَأْسِ الْعِلْمِ حَتَّى تَسْأَلَ عَنِ غَرَائِبِهِ؟! قَالَ الرَّجُلُ: مَا رَأْسُ الْعِلْمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: مَعْرِفَةُ اللَّهِ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ. قَالَ الْأَعْرَابِيُّ: وَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ؟ قَالَ: تَعْرِفُهُ بِلَا مِثْلٍ وَلَا شَبِيهِ وَلَا نِدٍّ، وَأَنْتَهُ وَاحِدٌ أَحَدٌ ظَاهِرٌ بَاطِنٌ أَوَّلٌ آخِرٌ، لَا كُفْوَلَهُ وَلَا نَظِيرَ، فَذَلِكَ حَقُّ مَعْرِفَتِهِ^۱.

ای پیامبر خدا! از شگفتی‌های دانش به من بیاموز. فرمود: «با اساس دانش چه کرده‌ای که از گفتنی‌هایش می‌پرسی؟». مرد گفت: ای پیامبر خدا! اساس دانش چیست؟ فرمود: «شناخت خدا، آن‌چنان که باید». بادیه‌نشین گفت: شناخت خدا، آن‌چنان که حق شناخت اوست، چگونه است؟ فرمود: «او را بی‌مانند و بی‌شبیبه و بی‌همتا بدانی و اینکه او یکتا، یگانه، پیدا، نهان، نخست و پایان است، نه همتایی دارد و نه همانندی. این، حق شناخت اوست».

گفتنی است که در نقل اهل سنت از این واقعه، پس از چند سال که آن مرد به این موضوعات اساسی پرداخت و بازآمد، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن مرد را از شگفتی‌های دانش

۱. التوحید: ص ۲۸۴ ح ۵؛ بحار الأنوار: ج ۳ ص ۲۶۹ ح ۴.

بی نصیب ننهاده و چیزی به او آموخت. این نقل را در پانویست می‌آوریم.^۱

۱.۲. تناسب با علاقه و توان پژوهش

نکته دیگر در اخلاق موضوع‌گزینی، تناسب موضوع با علاقه پژوهشگر و نیز استعداد علمی و دیگر توانایی لازم برای تحقیق است. پژوهشگری که به حکم ضرورت مالی یا حرمت نهادن به کسی، موضوعی را با وجود بی‌علاقگی دنبال کند، میانه راه در می‌ماند یا سروته آن را زود به هم می‌آورد تا خود را آسوده کند. بهتر آن است چنین فردی از ابتدا خود و همگان را آسوده کند و به چنین تحقیقی نپردازد. فردی که توانایی علمی و عملی برای طی کردن فرآیند یک پژوهش را ندارد، نباید خود را متکلفانه به آن مشغول کند و باری را که به عهده دیگران است، با زحمت و تکلف بر دوش کشد. چنین کسی هم کار را تباه می‌کند و هم از دسترسی به نتیجه ناکام می‌ماند. به فرموده امام کاظم علیه السلام: «مَنْ تَكَلَّفَ مَا لَيْسَ مِنْ عَمَلِهِ صَيَّعَ عَمَلُهُ، وَخَابَ أَمَلُهُ»^۲ آن که کاری بیشتر از توانش را بر خود بار کند، کارش را تباه و امیدش را ناامید کرده است.

۱. جِئْتُكَ لِتُعَلِّمَنِي مِنَ غَرَائِبِ الْعِلْمِ. قَالَ: مَا صَنَعْتَ فِي رَأْسِ الْعِلْمِ؟ قَالَ: وَمَا رَأْسُ الْعِلْمِ؟ قَالَ: هَلْ عَرَفْتَ الرَّبَّ عَزَّ وَجَلَّ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: فَمَاذَا فَعَلْتَ فِي حَقِّهِ؟ قَالَ: مَا شَاءَ اللَّهُ. قَالَ: وَهَلْ عَرَفْتَ الْمَوْتَ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: مَاذَا أَعَدَدْتَ لَهُ؟ قَالَ: مَا شَاءَ اللَّهُ. قَالَ: أَذْهَبَ فَأَحْكُمُ بِهَا هُنَاكَ، ثُمَّ تَعَالَى حَتَّى أَعْلَمَكَ مِنَ غَرَائِبِ الْعِلْمِ. فَلَمَّا جَاءَهُ بَعْدَ سِنِينَ، قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: صَعَّ يَدُكَ عَلَى قَلْبِكَ، فَمَا لَا تَرْضَى لِنَفْسِكَ لَا تَرْضَاهُ لِأَخِيكَ الْمُسْلِمِ، وَمَا رَضِيَتْهُ لِنَفْسِكَ فَارْضُهُ لِأَخِيكَ الْمُسْلِمِ، وَهُوَ مِنْ غَرَائِبِ الْعِلْمِ؛ نَزِدُ تَوَّآمِدَهُام تَا مَرَا از شگفتی‌های دانش بیاموزی. فرمود: «با اساس دانش چه کرده‌ای؟». گفت: اساس دانش چیست؟ فرمود: «آیا پروردگار عز و جل را شناخته‌ای؟». گفت: بلی. فرمود: «در حق او چه کرده‌ای؟». گفت: آنچه خدا خواسته است. فرمود: «آیا مرگ را شناخته‌ای؟». گفت: بلی. فرمود: «چه چیز برایش آماده ساخته‌ای؟». گفت: آنچه خدا خواسته است. فرمود: «برو و این‌ها را محکم کن. سپس بیا تا تو را از شگفتی‌های دانش بیاموزم». هنگامی که آن مرد پس از سالیانی باز آمد، پیامبر فرمود: «دستت را بر دلت بگذار. پس آنچه بر خود روا نمی‌داری، بر برادر مسلمانان نیز روا مدار و آنچه برای خود روا می‌داری، برای برادر مسلمانان نیز روا دار. این، از شگفتی‌های دانش است» العلم و الحکمة فی الکتاب و السنة: ص ۲۵۲ ح ۹۵۷ به نقل از تنبیه الغافلین. برای احادیث بیشتر، ک: همان: ص ۲۵۱ باب «رِعَايَةُ الْأَهَمِّ فَلِأَهَمِّ».
۲. چشم تماشا (ترجمه نزهة الناظر و تنبیه الخاطر)، ص ۱۹۰ ح ۴۰۰.

می توان این دعای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را ناظر به این موضوع دانست: «وَ اَرْحَمَنِي مِنْ تَكْلُفٍ مَا لَا يَغْنِينِي»؛ به من رحم فرما، تا آنچه را به کارم نمی آید، بر خود بار نکنم».

۱,۳. سودمندی

پژوهش حدیثی نیز همچون دیگر پژوهش‌ها برای دستیابی به پاسخ سؤال و حقیقت کشف‌ناشده‌ای طراحی می‌شود که دیگران به آن دست نیافته‌اند. پژوهشی که پاسخ دیگران را تکرار کند، به ندرت سودمند است و کمتر به کار می‌آید. پژوهش‌های تکراری تنها برای راستی‌آزمایی پژوهش پیشین یا آزمودن نوآموزان و مقاصدی از این دست به کار می‌آید. در واقع نوآوری، پذیرش مسئولیتی است که با شروع فرآیند تحقیق برعهده محقق می‌آید. این به معنای مطالعه همه پژوهش‌های انجام‌یافته در عرصه پژوهش است تا کاری تکراری و کم‌حاصل ارائه نشود؛ کاری که دست‌کم از دو ناحیه باید به آن توجه داشت. نخست اینکه اطلاعات گران‌بهای پیشین باید نردبان ترقی علم شود تا از هدر رفت منابع در دوباره‌کاری و پرداختن به مباحث مقدماتی مانند تعریف‌های مکرر مفاهیم بنیادین و موازی‌کاری جلوگیری شود. دوم اینکه با ذکر نام و کار پژوهشگران پیشین، مانع از انتساب زحمات آنان به خود و دیگران شد و حق آنان را پاس داشت.

۲. اخلاق داده‌یابی و داده‌پژوهی

پژوهش، نیازمند دستیابی به آگاهی‌ها و داده‌های بی‌شمار و متناسب با موضوع پژوهش است. همچنین داده‌های به‌دست‌آمده را باید تدوین کرد و آن را به گونه‌ای سامان داد که به نتیجه برسد. پژوهش‌های حدیثی نیز از این نکته مستثنی نیستند و چون نص‌محور هستند، گوهر اصلی آن‌ها را متون و روایات ناظر به موضوع شکل می‌دهد. در یافتن، گردآوری و دستیابی به این اطلاعات، و نیز تدوین و پردازش آن‌ها نیاز است برخی امور، رعایت شوند.

۲،۱. جستجوی فراگیر

لزوم تتبع و گردآوری همه متون حدیثی مرتبط با موضوع تحقیق، نکته‌ای ثابت شده در حدیث پژوهی است. کاوش ما باید چنان گسترده و پیگیرانه باشد که به اصطلاح علم حدیث، به تشکیل خانواده حدیث بینجامد یا به عبارت فقیهانه، به «یأس عن الفحص» بکشد؛ یعنی از یافتن حدیث و قرینه دیگری افزون بر آنچه یافته‌ایم مأیوس شویم. این نکته‌ای نو نیست و در حقیقت، بخشی مهم از روش پژوهش است، ولی التزام به آن و تعهد به اجرای درست آن، مسئله‌ای اخلاقی است. اگر این التزام نباشد، هرگاه که پژوهش به دازا کشد و حدیث پژوه خسته شود، فرسودگی ذهنی و جسمی، زمینه تسلیم شدن به راحت طلبی را فراهم می‌آورد و او را از ادامه تتبع باز می‌دارد. نیاز به پایبندی به این اصل اخلاقی و التزام واقعی به اجرای درست و کامل روش، آنگاه شدت می‌یابد که موضوع تحقیق، نو و بی سابقه باشد و احادیث، اندک و در منابع متعدد پراکنده باشند. در این گونه از پژوهش‌ها، تنها محقق است که می‌تواند بودن و نبود احادیث دیگر و راه‌های دستیابی به آن‌ها را حدس بزند تا آن‌ها را بکاود. روشن است در این گونه موارد دیگران نمی‌توانند کاستی در تتبع را نشان دهند و تنها التزام اخلاقی حدیث پژوه او را به استمرار در پژوهش و گردآوری هرچه بیشتر احادیث مرتبط تشویق می‌کند. این التزام در عرصه اخلاق دینی، برآمده از تذکر درونی و توجه به نظارت همیشگی و فراگیر الهی است. حدیث پژوه خود را از چشم خدا پنهان نمی‌بیند و با احساس تعهد اخلاقی و انسانی، همه دشواری‌ها را تحمل می‌کند و تلاش خویش را استمرار می‌بخشد. حدیث پژوه در پی اسناد نتیجه پژوهش خویش به دین و پیشوایان معصوم است و این تنها در صورت حصول اطمینان به فرآیند و نتیجه تحقیق، راست و درست و مشروع است. نسبت‌دهی هر سخن و نظر به هرکسی باید در عین صادقانه و درست بودن، از اطمینان لازم و متناسب نیز برخوردار باشد، ولی استناد سخن به کسانی که میلیون‌ها پیرو در طول تاریخ دارند و همچنان خواهند داشت، مسئولیت بزرگ‌تر و سنگین‌تری است.

۲،۲. امانتداری

نتیجه طبیعی متن‌محور بودن پژوهش‌های حدیثی، حساس بودن نتیجه به نقل

درست و دقیق و فهم صحیح حدیث است. در واقع، حدیث پژوه با التزام به درست بودن استناد و نسبت دهی، باید در نقل و بهره‌گیری از حدیث، در حد توان بکوشد و دقت نماید. او باید آسیب‌های احتمالی را که گاه دامن‌گیر حدیث می‌شود، حدس بزند تا بتواند آن‌ها را بزدايد. این نیز موضوع رشته آسیب‌شناسی حدیث در دانش فقه‌الحدیث است، علمی که در گذشته «علل الحدیث» نام داشته و عهده‌دار آشکار کردن عیب‌های نهان احادیث بوده است، اما کوشش ذهنی و عملی برای شناسایی و زدایش این عیب‌ها و آسیب‌ها تنها با التزام اخلاقی حدیث‌پژوه قابل تحقق است؛ چه، شخص بی‌تعهد می‌تواند شانه‌های خود را بالا بیندازد و ادعا کند که آسیبی را محتمل ندانسته و عیبی را حدس نزده است تا خود را برهاند. استاد محمدرضا حکیمی رحمته‌الله‌علیه^۱ که عمر گران‌بهای خود را در حدیث‌پژوهی و بسیاری دیگر از دانش‌های دینی سپری کرده است و به معرفی نیاز ندارد، می‌نویسد:

در تألیفاتی که پایه آن‌ها بر نقل استوار است، تنها جوهر اصلی و مایه وثوق، امانت است. اگر در چنین کتاب‌هایی امانت رعایت نشود، هیچ است... در این‌گونه کتاب‌ها نقل نامعتبر، خیانت در نقل، عدم دقت در نقل، اعتماد بر نسخه‌های نامعتبر، استناد به نسخه‌های مغشوش و مخدوش، یا نقل تقطیعی، حقایق را دگرگون می‌کند، و شالوده را ویران می‌سازد، و معرفت را عقیم می‌گذارد، و علم را ضایع می‌کند، و خواننده را گمراه می‌نماید، و تاریخ را تباه می‌دارد، و پژوهشی را سر در گم می‌سازد.^۲

می‌توان سه حدیث ابتدای باب «رَوَايَةُ الْكُتُبِ وَ الْحَدِيثِ وَ فَضْلُ الْكِتَابَةِ وَ التَّمَسُّكِ بِالْكِتَابِ»^۳ کتاب کافی را دلیل لزوم رعایت دقت در نقل محتوای حدیث دانست. در این سه حدیث، امام صادق علیه‌السلام با سه راوی متفاوت که همه از راویان شناخته‌شده و بزرگ شیعه هستند، سخن گفته است. در حدیث نخست، امام صادق علیه‌السلام فقره قرآنی «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ

۱. در هنگام نوشتن این مقاله استاد حکیمی در قید حیات بودند و به گاه اصلاح مقاله پس از نقد سرور عزیزم جناب حجه الاسلام دکتر عباس پسندیده، استاد از میان ما رخت بر بسته بود و این حکایت زودگذر بودن عمر و فنای تند دنیا است.

۲. حماسه غدیر: ص ۲۱۵.

۳. الکافی: ج ۱ ص ۵۱.

الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»^۱ را بر کسی تطبیق فرموده که حدیث را همان گونه نقل می‌کند که شنیده است، بی آن که بر آن بیفزاید یا از آن بکاهد.^۲

دو روایت بعدی، این رعایت را در عرصه معنا لازم می‌شمرد و بر نقل درست و امانت دارانه محتوای حدیث تأکید می‌ورزد؛ هرچند برای تسهیل نقل، تغییر در الفاظ را اجازه می‌دهد.^۳ روشن است که پژوهشگر به هنگام کاربرد حدیث در پژوهش خویش، ناقل آن برای خوانندگان و مخاطبان تحقیقش می‌باشد.

نکته قابل توجه اینکه حدیث، افزون بر متن، سند نیز دارد؛ از این رو، رعایت دقت و امانت در اسناد نیز مهم است. روایت هفتم همین باب بر لزوم امانتداری در اسناد دلالت دارد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: سخن را از همان که شنیده‌اید، نقل کنید و به خود نجسبانبید. این کار، ما را از درستی و حقانیت حدیث بهره‌مند می‌سازد و در صورت بطلان حدیث، ما را از آن مبرا می‌دارد.^۴ این، در واقع توصیه به پرهیز از انتحال و بستن سخن دیگران به خود است.

در مرتبه‌ای بالاتر، امام صادق علیه السلام نسبت دادن سخنی را که از کسی شنیده‌ایم به کسی

۱. الزمر: ۱۸.

۲. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَوْلَ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»؟ قَالَ: هُوَ الرَّجُلُ يَسْمَعُ الْحَدِيثَ فَيَحَدِّثُ بِهِ كَمَا سَمِعَهُ لَا يَزِيدُ فِيهِ وَلَا يَنْقُصُ مِنْهُ.

۳. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَسْمِعْ الْحَدِيثَ مِنْكَ فَأَزِيدَ وَانْقُصَ قَالَ إِنْ كُنْتَ تُرِيدُ مَعَانِيَهُ فَلَا بَأْسَ.

وَ عَنْهُ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ قَرْقَدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنِّي أَسْمَعُ الْكَلَامَ مِنْكَ فَأَزِيدُ أَنْ أَرَوِيَهُ كَمَا سَمِعْتُهُ مِنْكَ فَلَا يَجِيءُ قَالَ فَتَعَمَّدَ ذَلِكَ قُلْتُ لَا فَقَالَ تُرِيدُ الْمُعَانِيَةَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ فَلَا بَأْسَ.

۴. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِذَا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثٍ فَأَسْنِدُوهُ إِلَى الَّذِي حَدَّثَكُمْ فَإِنْ كَانَ حَقًّا فَلَكُمْ وَإِنْ كَانَ كَذِبًا فَعَلَيْهِ.

که وی از او نقل کرده است، «کذب مفرع» دانسته و از آن نهی فرموده است.^۱ بر پایه این نهی ما موظفیم سخن را به گونه مستقیم به اولین شخصی که سخن را از او شنیده‌ایم، نسبت دهیم نه به کسی که وی از او شنیده است و نقل می‌کند. این نکته در برخی حالاتها، تدلیس در اسناد به‌شمار آید و از نظر اخلاقی و نکوهیده است.

نمونه «کذب مفرع» در پژوهش‌های امروزین را می‌توان مراجعه به کتاب‌های واسطه برای اخذ حدیث و آدرس دهی به منبع آن کتاب است، بی‌آنکه از منبع واسطه یاد و حق مؤلف آن پاس داشته شود. آری، مؤلفی رنج مراجعه به ده‌ها کتاب مختلف و گردآوری ده‌ها روایت و سامان‌دهی آن‌ها در یک باب را بر خود هموار می‌کند و در دسترس خواننده می‌نهد، ولی ما دست‌رنج او را از آن خود می‌کنیم و بدون آنکه نشان دهیم حدیث را به کمک او در منابع پیشین یافته‌ایم، حدیث را مستقیم از منبعی که وی یافته است، نقل می‌کنیم و حق و رنج وی را نادیده می‌گیریم.

۲،۳. پیروی از حقیقت

هدف از یک پژوهش حدیثی، مانند هر پژوهش دیگری، رسیدن به حقیقت است. مسیر رسیدن به این نتیجه ارزشمند، در معرض بسیاری از آسیب‌ها و آفت‌ها قرار دارد که یکی از مهم‌ترین آنها، پیروی از خواسته‌های درونی و بیرونی است. اینکه من بخواهم به نتیجه‌ای خاص دست یابم و فلان ادعایم را تایید یا ادعای دیگران را رد کنم، پیروی از گرایش‌های درونی است و حقیقت نیست. همچنین تحقیق برای تحقق بخشیدن به سفارش کسی، تبعیت از خواست یا فشار بیرونی است. این به معنای ترجیح هوا و هوس انسانی بر واقعیت خارجی و بستن راه هدایت است و به تعبیر بلند امام علی علیه السلام تابع قرار دادن هدایت در برابر هوا و هوس^۲ است و همان آسیب بزرگی است که در تفسیر به رأی،

۱. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ؟ ع: إِيَّاكُمْ وَ الْكُذِبَ الْمُفْتَرَع. قِيلَ لَهُ: وَ مَا الْكُذِبُ الْمُفْتَرَعُ؟ قَالَ: أَنْ يُحَدِّثَكَ الرَّجُلُ بِالْحَدِيثِ فَتَتَرَكُهُ وَ تَزْوِيهِ عَنِ الَّذِي حَدَّثَكَ عَنْهُ.

۲. و من خطبة له علیه السلام یومئ فیها إلى ذکر الملاحم: یُعْطِفُ الْهُتَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهُتَوَى وَ یُعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ؛ نهج البلاغه: خطبه ۱۳۸.

روی می‌دهد.

نکته این است که این ناروایی اخلاقی در پژوهش‌های حدیثی زمینه بروز دارد. عرصه‌های متعددی می‌تواند شاهد این کار ناروا باشد. تقطیع نادرست، اختصار نابجا، نقل معنای ناروا، تصحیف و تحریف، و نقل نامسئولانه همه گزارش‌ها بدون واری و تشخیص سره از ناسره، شیوه‌هایی برای رسیدن به این خواسته غیر اخلاقی هستند. همچنین می‌توان با برخورد گزینشی، بخشی از اطلاعات را نادیده گرفت و بخشی دیگر را پررنگ کرد.^۱ افزون بر این می‌توان، در اسناد برخی احادیث موافق خواسته‌مان، موشکافی نکنیم و به جای آن، در اسناد احادیث مخالف، کوچک‌ترین خدشه و اشکال را بیابیم و درشت‌نمایی کنیم.

مصادق دیگر، شتاب‌زدگی در قبول احادیث همسو و ردّ احادیث ناهمسو است. گفتنی است این خواسته‌ها می‌توانند برخاسته از تعصب‌ها و گرایش‌های قومی و محلی باشند؛ مانند ردّ و قبول احادیث ناظر به ستایش و نکوهش شهرها و اقوام یا نتیجه اعتباردهی بیش از اندازه به هویت صنفی یا جنسیتی خود یا بزرگ‌شماری آرای نیاکان و بزرگان هم‌کیش، مانند نقد احادیث نقصان عقل زنان و برخی احادیث پراکنده فقهی؛ درحالی‌که به اقتضای ترجیح دادن حقیقت بر خواسته خویش، شواهد خلاف را نیز باید بیابیم و بررسی کنیم. ما باید آن‌گاه که حقیقت را نزد دیگران و نه همگان خود می‌یابیم، آن را بپذیریم. به گفته امیر مؤمنان علیه السلام، حکمت، شایسته افراد با ایمان است و نه مشرکان و منافقان^۲ و به گفته دیگر همین امام همام، پذیرش حق، بخشی از دین است.^۳ به فرموده دیگر ایشان، همین پذیرش حق است که انسان را در تحقق فروتنی و دورشدن از کبر یاری می‌دهد.^۴

۱. در کتاب آسیب‌شناسی حدیث و ذیل هر یک از این عنوان‌ها، نمونه‌هایی را ارائه داده‌ام.

امام علی علیه السلام: الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ، فَاطْلُبُوهَا وَلَوْ عِنْدَ الْمُشْرِكِ تَكُونُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا؛ الأُمَلِي، شيخ طوسی؛ ص ۶۲۵ ح ۱۲۹۰ و ر.ک: کتاب العلم والحكمة فی الكتاب والسنة؛ ص ۲۶۰، باب قَبُولِ الْحَقِّ بِمَنْ أَتَى بِهِ.

۳. قبول الحق من الدین؛ نثر اللثالی؛ ج ۱ ص ۹۲ ح ۲۲۱.

۴. ظَلَبْتُ الْحُضُوعَ فَمَا وَجَدْتُ إِلَّا بِقَبُولِ الْحَقِّ أَقْبَلُوا الْحَقَّ فَإِنَّ قَبُولَ الْحَقِّ يُبْعَدُ مِنَ الْكِبَرِ؛ جامع الاخبار سبزواری؛ ص ۱۲۴.

آری، معنای کبر، گردن‌کشی در برابر حقیقت است^۱ و این خوی زشت، آن‌گاه زشت‌تر می‌شود که حقیقت در جامه حدیث ابراز شود و حدیث پژوه از آن آگاه باشد، ولی خودبینی و خودخواهی‌اش مانع پذیرش آن شود.

راهکار رهایی از این دام شیطانی و هموار کردن مسیر برای نیل به حقیقت، گوش سپردن به متن و گفت‌وگو با آن است. به سخن دیگر، هدف حدیث‌پژوه مانند مفسر قرآن، راهیابی به مراد حدیث و تصدیق آن است. در واقع او در پی آگاهی از مفاد حدیث و باور آن است. امری که از آن به همدلی با متن نیز تعبیر می‌شود. چنین فردی نمی‌تواند به خود اجازه دهد که اندیشه‌اش را بر متن تحمیل کند. این البته به معنای آن نیست که چشم و گوش بسته بر الفاظ متن جمود بورزیم و موازین عقلی و معیارهای مقبول انسانی را کنار بیهیم که این خود خطری دیگر و آسیبی بدتر است. مقصود ما، خاموش کردن هیاهوی درون و گوش‌سپاری به سخن متن برای گفت‌وگویی آرام و منطقی با آن است. ما از موضع یک انسان با همه نیازها و خواسته‌ها، از حدیث، بپرسیم و سپس خاموش و بی‌صدا و بی‌نظر، پاسخ حدیث را نیک و دقیق بشنویم. این گفت‌وگوی همدلانه تا آنجا که مفاد حدیث، حقایق روشن هستی را زیر پا نگذارد، می‌تواند ادامه یابد. تنها در جایی باید متن را کنار نهاد که دانسته‌های روشن همگانی را زیر پا می‌نهد و به تعبیر برخی احادیث، شب را روز بخواند و روز را شب بنامد.^۲

این را می‌توان مصداقی از عبارت قرآنی و مشهور «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ»^۳ قلمداد کرد. انسانی که بتواند به همه گوش دهد و از جمله به آنچه متن حدیث می‌گوید، دل بسپارد، آن‌گاه

۱. امام صادق علیه السلام: الْكِبْرُ أَنْ تَعْصِيَ النَّاسَ وَ تَسْفَهُ الْحَقَّ؛ الکافی: ج ۲ ص ۳۱۰ ح ۸.

۲. سُفْيَانُ بْنُ السَّيْطِ [السَّمْطِ] قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَأْتِينَا مِنْ قِبَلِكَ فَيُخْبِرُنَا عَنْكَ بِالْعَظِيمِ مِنَ الْأَمْرِ فَيَضِيقُ بِدَلِكِ صُدُورَنَا حَتَّى نُكْذِبَهُ. قَالَ: فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَلَيْسَ عَنِّي يُحَدِّثُكُمْ؟ قَالَ: قُلْتُ: بَلَى. قَالَ: فَيَقُولُ لِلَّيْلِ إِنَّهُ نَهَارٌ وَ لِلنَّهَارِ إِنَّهُ لَيْلٌ؟ قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: لَا. قَالَ: فَقَالَ: رُدَّهُ إِلَيْنَا فَإِنَّكَ إِنْ كَذَبْتَ فَإِنَّمَا تُكْذِبُنَا؛ بصائر الدرجات: ج، ص ۵۳۸ ح ۳.

۳. زمر، آیات ۱۷ و ۱۸.

می‌تواند حقیقت را شناسایی و از آن پیروی کند.

نکته مهم اینکه، گاه در کار با حدیث لازم است، برخی احادیث را به عرصه تحقیق نیاوریم. احادیثی که نتوانسته‌ایم مضمون آن‌ها را بپذیریم و با داشته‌های ذهنی‌مان سازگار کنیم. البته چنین نیست که حدیث، حقیقتی آشکار را زیر پا نهد و دست جعل در آن هویدا باشد. در این هنگامه دشوار، ما مأموریم برای فهم و تبیین حدیث بکوشیم و از رد عجزولانه آن بپرهیزیم. تنها از پس این کوشش جدی است که می‌توانیم درباره ردّ و قبول حدیث تصمیم بگیریم. اگر به معنایی روشن و مقبول دست یافتیم، فروتنانه آن را می‌پذیریم و اگر چنین نشد، تنها اجازه ردّ علم آن و نه ردّ خود حدیث به ما داده شده است؛^۱ یعنی با فروتنی ابراز کنیم که ما نمی‌دانیم و آنکه حدیث را گفته، بهتر می‌داند. ناآگاهی از مفاد حدیثی که در تعارض آشکار با دانسته‌های مسلم و مقبول نیست و ناتوانی از سازگار کردن آن با دیگر داشته‌های ذهنی، تنها مجوز توقف و ردّ علم است، نه ردّ حدیث و انکار. ما نباید به غرور و تکبر خود اجازه دهیم که حقیقت را در سطح فهم ما فرو آورد و تنها چیزهایی را درست بدانیم که می‌فهمیم. ما، مجموعه انسان‌ها، جز اندک دانشی ناچیز از دانش بیکرانه هستی، بهره‌ای نبرده‌ایم^۲ و این در قیاس با علم الهی معصومان گوینده حدیث، نمی‌در برابریمی است.

۳. اخلاق گزارش پژوهش

یک پژوهشگر هدفمند، به نتیجه کار خویش و عرضه آن به جامعه علمی می‌اندیشید. نتیجه پژوهش باید متناسب با داده‌ها و حاصل روند منطقی در تحلیل و کاربرد آن‌ها باشد.

۱. لَا يَسْعُكُمْ فِيمَا يُنزِلُ بِكُمْ مِمَّا لَا تَعْلَمُونَ إِلَّا الْكُفَّ عَنْهُ وَالتَّوْبَتِ وَالرُّدِّ إِلَى أُمَّةِ الْهُدَى؛ الكافي: ج ۱ ص ۵۰ ح ۱۰؛ عمرو بن شمر عن أبي جعفر عليه السلام قال: إِنَّ حَدِيثَنَا صَعْبٌ مُسْتَعِيبٌ أَجْرَدُ ذُكْوَانٍ وَعَرَّ شَرِيفٌ كَرِيمٌ فَإِذَا سَعْتُمْ مِنْهُ شَيْئًا وَلَانَتْ لَهُ قُلُوبُكُمْ فَاحْتَمِلُوهُ وَاحْمَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ وَانْ لَمْ تَحْتَمِلُوهُ لَمْ تَطِيقُوهُ فَرُدُّوهُ إِلَى الْإِمَامِ الْعَالِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّمَا الشَّقِيُّ الْهَالِكُ الَّذِي يَقُولُ: وَاللَّهِ مَا كَانَ هَذَا؛ ثُمَّ قَالَ: يَا جَابِرُ، إِنَّ الْإِنكَارَ هُوَ الْكُفْرَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ؛ بصائر الدرجات: ص ۲۴ ح ۹.

۲. وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا؛ سوره اسراء: آیه ۸۵.

نگارش نتیجه و گزارش پژوهش نیز باید برای خوانندگان و بهره‌گیران سودمند باشد. گزارش ما باید بتواند خواننده را از داده‌های اولیه، پردازش و کاربری آن‌ها و نیز یافته‌ها و نتیجه برگرفته از مجموع پژوهش آگاه گرداند. این خود بخشی از فرآیند یک پژوهش کامل و مستلزم رعایت هنجارهای اخلاقی است که به برخی اشاره می‌کنیم:

۳.۱. صداقت و وفاداری

گزارش پژوهش باید به گونه‌ای باشد که مفاد آن را به درستی و راستی بازتاب دهد. روشن است که گزارش و نگارش یک پژوهش، با سرودن شعر و نگارش یک قطعه ادبی تفاوت دارد. نگارنده پژوهش باید از مبالغه، اغراق‌گویی، ابهام، ابهام و آشنایی زدایی ادبی بپرهیزد. این‌ها همه ویژگی زبان ادبی‌اند و نثر و شعر را دلنشین می‌کنند، ولی گزارش پژوهش را از صداقت و درستی و شفافیت فرو می‌افکنند و دریافت‌کنندگان گزارش را به نتایج پژوهش کم‌اعتماد می‌سازند. البته مقصود این نیست که گزارشگر پژوهش، در زیباسازی قلم و زبان خود نکوشد، بلکه مراد این است که اگر سه چهار کتاب را مطالعه کرده است، آن‌ها را منابع متعدد و متکثر نشمرد، اگر ده‌ها روایت را دیده است، آن‌ها را انبوهی از روایات نخواند؛ اگر چند محدث همسو و هم‌اندیشه با خود یافته، آن‌ها را عالمان فراوان و مشهور دانشیان نداند. برای نمونه اگر چند عالم خراسانی در یک دوره کوتاه شاهد ادعای اویند، مدعی همراهی مکتب خراسان در درازای تاریخ نشود. اندیشیدن به این شرط، خود در گستردن و ژرف کردن پژوهش تاثیر دارد. محققى که قصد ارائه صادقانه و بدون اغراق و مبالغه پژوهش خویش را در سر دارد، دست‌کم برای حفظ آبروی خود و مصون ماندن از پیامدهای پس از نشر، می‌کوشد که درست و پاکیزه عمل کند و آنچه را می‌نویسد و می‌گوید، پیش‌تر به آن دست یافته باشد و برای خودش به راستی و درستی ثابت شده باشد. شاید بتوان حدیث «مَنْ صَدَقَ لِسَانُهُ زَكَا عَمَلُهُ»^۱ از امام صادق علیه السلام را شاهد همین تاثیر راستی بر پاکیزگی پژوهش دانست.

۱. الکافی: ج ۲ ص ۱۰۴ ح ۳ و ۱۱.

۳،۲. رعایت حقوق همکاران

سزاوار است که گزارش‌دهنده پژوهش، سهم همکاران و دیگر افراد سهیم در تحقق و پیشبرد پژوهش را ادا نماید و از آن‌ها نام ببرد و زحمات‌شان را یاد کند و قدر نهد. این، افزون بر قدردانی و پاس داشتن سهم پیشینیان است که باید در بخش پیشینه پژوهش آورده شود. مقصود در اینجا وفادار ماندن به تعهد اولیه‌ای است که به همکاران مان داده‌ایم و آنان را به مشارکت در پژوهش فراخوانده‌ایم و در پایان پژوهش، و بنا به قاعده و حدیث گهربار رضوی «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعَمَ مِنَ الْمُخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ»^۱ وظیفه‌مندیم از آنان تشکر کنیم و حق هر یک را به درستی بشناسیم و قدر بنهیم.

۳،۳. شجاعت همراه کیاست

شجاعت در عرصه علم و تحقیق به معنای نهراسیدن از ابراز حقیقت است. ارائه درست و تمام نتایج پژوهش، نمودی از درستی و شجاعت اخلاقی است. حدیث پژوه گاه به نادرستی و اصیل نبودن روایتی مشهور اطمینان می‌یابد. او این حق را دارد که به آردگاه علم و حقیقت درنیاید، ولی این حق را ندارد که نتیجه پژوهش خویش را وارونه و به گونه‌ای نشان دهد که برخی را خوش آید و وی را از خطرها به سلامت برهاند. همان‌گونه که نقد و ردّ حدیث برای به شهرت رسیدن و بر سر زبان‌ها افتادن و ادای روشنفکران دروغین را درآوردن، پسندیده و روا نیست، همراهی محض با جریان غالب فرهنگی و عمومی که بنیان و ریشه درستی ندارد، اخلاقی نیست. در جایی که با ارائه پژوهشی ژرف و درست، می‌توان بدعتی نهاده شده را برملا و بدعت‌گزار را رسوا و پیروان غافل را بیدار کرد، باید به این کار اقدام کرد. تائید یا بی‌عملی، به دلیل ترس از مخالفت‌ها و دشنام‌ها، نشان‌دهنده ضعف اخلاقی و نداشتن شجاعت علمی است. این دستور صریح امامان راستین علیهم‌السلام است:

إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَعَلَى الْعَالِمِ أَنْ يُظْهَرَ عِلْمُهُ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ سَلِبَ نُورَ الْإِيمَانِ؛^۲ هرگاه

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ج ۲ ص ۲۴ ح ۲.

۲. همان: ج ۱ ص ۱۱۳ ح ۲؛ این روایت را یونس بن عبدالرحمان در رد پیشنهاد سران واقفه نقل کرده است.

بدعت‌ها پدیدار شوند، بر عالم است که علمش را آشکار سازد، که اگر چنین نکند، نور ایمان از او سلب می‌گردد.

گفتنی است این مطلب، منافاتی با لزوم کتمان و تقیه ندارد، زیرا جایگاه این دو جداست. تقیه در جایی است که کیان دین و دینداران به خطر افتاده و پای زندگی کسی یا کسانی در میان است. کتمان نیز در برابر افشای سِرّ مگویی است که اگر از پرده بیرون افتد، به کشته شدن نیکان و بزرگان و هزینه‌کردنی گزاف و ناپهنگام می‌انجامد. هزینه‌ای که ثمری متناسب با سرمایه‌گذاری انجام‌شده ندارد و اتلاف سرمایه‌هایی پر ارزش برای به دست آوردن نتیجه‌ای کم‌ارزش است. فاش نکردن اطلاعاتی که زیان نشرشان، بیش از سود کتمان آن‌هاست، نمونه‌هایی چند دارد. یک نمونه آن در گذشته دور، ارائه فضایل والای اهل بیت علیهم‌السلام و جایگاه بلند سیاسی و اجتماعی آنان بوده است. این کار به معنای غاصب دانستن حکومت وقت بود و به مقابله شدید حاکمیت می‌انجامید. امروزه نیز، نشر برخی فضایل اهل بیت علیهم‌السلام میان برخی جوامع و گروه‌های تندرو غیرشیعی، ممکن است انکار کسانی را برانگیزد و به جدایی و تفرقه درونی میان جامعه اسلامی بینجامد که در وضعیت کنونی هجوم یکباره کفر و شرک به کیان اسلام، مقبول خداوند و حجت‌های او در زمین نیست.

به سخن دیگر، شجاعت علمی در ارائه نتیجه پژوهش، به معنای تحمل کردن چند دشنام و ناسزا و گاه کمی انزوا و ردیه‌هایی تند و داغ است و این برای بازگو کردن حقیقت تاوان قابل قبولی است؛ اما شکستن تقیه به معنای شهادت امام و راویان خالص او و از دست دادن رهبر دینی جامعه است. افشای اسرار نیز گاه به معنای پدید آمدن تفرقه و شکاف در امت اسلامی است، آن هم در موضعی که سود چندانی برای دین و دینداری به ارمغان نیاورد و با کیاست و خردورزی بیگانه باشد.

آنجا که او را به همراهی و سکوت در برابر دروغ‌شان مبنی بر منتهی شدن امامت به امام کاظم علیه‌السلام فراخواندند. برای آگاهی از احادیث بیشتر رک: التبلیغ فی الکتاب و السنة: ص ۱۴۴ باب مکافحة البدع / مبارزه با بدعت‌ها.

۳،۴. تباه نکردن مخاطب

فراگیری حدیث، و برقراری ارتباط با ثمرهٔ یک پژوهش عمیق حدیثی، نیازمند کسب برخی آمادگی‌ها و پیمودن برخی مرحله‌هاست. بازگویی نتایج هر تحقیق حدیثی برای هرکس، گاه صلاح نیست؛ زیرا ظرفیت پذیرش آن وجود ندارد. در این صورت با امتناع و انکار فراگیرنده، یا مخاطب تباه می‌شود و یا علم نهفته در آن حدیث. به سخن دیگر، فراگیرنده با انکار بی‌جایش، دچار فتنه می‌شود و گاه با برداشت نادرستش گمراه می‌گردد. بسا افراد کم‌ظرفیتی که به جای توقف و ردّ العلم، سر به عصیان نهاده‌اند و با انکار حدیث، خود را تباه کرده‌اند.^۱

امامان ما برای پیشگیری از چنین پیامد ناگواری و نگاهداشت مخاطبان احادیث خویش، دستوراتی متعدد و به افرادی چند صادر فرموده‌اند که در ارائه معارف دینی باید سطح فهم و پذیرش مخاطب را رعایت کرد.^۲ این نه به معنای کتمان و پنهان داشتن علم که به معنای حفظ امنیت روحی و ایمانی مخاطب است. هنگامی که ابوذر با آن مقام و فضیلتش، ظرفیت و تحمل علم والای سلمان را ندارد و در صورت آگاهی از آنچه در قلب سلمان می‌گذرد، یا او را می‌کشد یا خود هلاک می‌گردد، چه توقعی می‌توان از دیگران داشت. ارائه نتایج یک پژوهش حدیثی به کسانی که به جای بهره بردن از آن، نادانسته به انکارش می‌پردازند و به هلاکت می‌افتند، قربانی کردن توأمان علم و مخاطب است. به سخن دیگر پاسداشت دانش، در کنار پاسداشت بهره‌وران از دانش معنا می‌یابد. علم در صورتی ارزشمند است که به کار کسی بیاید، نه آنکه کسی را از حدیث و معرفت و دین، دل زده کند. البته اگر کسی بتواند با بیانی توانا، مطالب والا را تبیین و تفسیر کند به گونه‌ای که خوانندگان و شنوندگان خود را پله پله و درجه به درجه بالا بیاورد، زهی سعادت اوست و می‌تواند و گاه

۱. ر.ک: شناخت نامه حدیث: ج ص ح ۳۶۰ (نقل ما لا تحمله العقول).

۲. ابن عباس: قالوا: یا رسول الله! ما نسمع منک تحدّث به کله؟ قال: نعم، إلا أن یحدّث قوما حدیثا لا یضبطه عقولهم، فیکون علی بعضهم فتنة؛ تاریخ دمشق: ج ۳۸ ص ۳۵۵ ح ۷۶۸۹؛ و الإمام علی علیه السلام: أُحْتَبُونَ أَنْ يُكذَّبَ اللهُ وَرَسُولُهُ؟! حَدِّثُوا النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ، وَأَمْسِكُوا عَمَّا يُنْكِرُونَ؛ الغيبة للنعماني: ص ۳۴

لازم است که به ارائه پژوهش خود بپردازد، ولی به فرموده امام علی علیه السلام این در توان همه کس نیست.^۱ روایات فراوان «حدیثنا صعب و مُسْتَصَعَب» که ناظر به خودداری از افشای کمالات وجودی اهل بیت نزد همه کس است، نمونه‌ای روشن از این مطلب است. این احادیث در مقالاتی دیگر تبیین شده‌اند.^۲ این وظیفه عقلانی و اخلاقی محقق است که حدس بزند چه مطلبی در خور چه کسانی است تا نه کسی را گمراه و تباه کند و نه آویزنده حکمت به گردن نااهل باشد.

۱. الإمام علی علیه السلام: لَيْسَ كُلُّ الْعِلْمِ يَسْتَطِيعُ صَاحِبُ الْعِلْمِ أَنْ يُفَسِّرَهُ لِكُلِّ النَّاسِ؛ لِأَنَّ مِنْهُمْ الْقَوِيَّ وَالصَّعِيفَ، وَلِأَنَّ مِنْهُ مَا يُطَاقُ حَمَلُهُ وَمِنْهُ مَا لَا يُطَاقُ حَمَلُهُ، إِلَّا مَنْ يُسَهِّلَ اللَّهُ لَهُ حَمَلَهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ مِنْ خَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ؛ التوحيد: ص ۲۶۸ ح ۵.

۲. ر.ك: مجله علوم حدیث شماره ۷۵، مقاله «احادیث صعب مستصعب» از همین قلم.

کتابنامه

۱. مستندات نقلی اخلاق پژوهش، محسن جوادی، قم: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰ ش.
۲. کنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، علاء الدين علي بن حسام الدين ابن قاضي خان القادري، محقق: بکري حيانى، مؤسسة الرسالة، الطبعة الخامسة، ۱۴۰۱هـ/۱۹۸۱م.
۳. التوحيد، شيخ صدوق، محمد بن على بن موسى ابن بابويه، مصحح: هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین، اول، ۱۳۹۸ق.
۴. بحار الأنوار، علامه مجلسی، محمدباقر، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۵. العلم والحكمة في الكتاب والسنة، محمد محمدی ری شهری، قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۳۹۰ ش.
۶. چشم تماشا (ترجمه نزهة الناظر و تنبيه الخاطر)، ابو عبدالله الحسين بن محمد بن الحسن بن نصر حلوانی، مترجم: عبدالهادی مسعودی، قم: انتشارات دارالحدیث، اول، ۱۳۸۸ ش.
۷. حماسه غدیر، محمد حکیمی، قم: دلیل ما، ۱۳۹۰ ش.
۸. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۹. نهج البلاغة، محمد بن حسین شریف رضی، مصحح: صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۱۰. جامع الاخبار، محمد بن محمد شعیری. نجف: مطبعة حیدریه، بی تا.
۱۱. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، محمد بن حسن صفار، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم: دوم، ۱۴۰۴ق.
۱۲. عیون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَام، محمد بن علی بن موسی ابن بابویه، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان، ۱۳۸۷ق.
۱۳. الغیبه، ابن ابی زینب نعمانی، محقق: علی اکبر غفاری. تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.
۱۴. «احادیث صعب مستصعب»، عبدالهادی مسعودی، دوره ۲۰، شماره ۷۵، بهار ۱۳۹۴ ش، صفحه ۱۹-۳.

۱۵. شناخت‌نامه حدیث، محمدی ری شهری با همکاری جمعی از پژوهشگران، مترجم عبدالهادی مسعودی، قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۳۹۷ش.
۱۶. نثر اللئالی، طبرسی، فضل بن حسن، محقق: محمدحسن زبری، مترجم: حمیدرضا شیخی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۴ش.